



دیدار فرزندان شاهد، اساتید و دانشجویان تربیت مدرس - 13 شهریور / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس امروز ما، مجلس دلنشین و جامعی است؛ از يك طرف، عطر شهادت و فداکاری در راه خدا به وسیله ی نوجوانان و فرزندان و نوباوگان شاهد و یادگارهای عزیز شهیدان عالی قدر ما؛ و از سوی دیگر، زینت علم و فرهنگ در راه اسلام و در جهت خدمت به انسانیت، با حضور دانشجویان و اساتید دانشگاه تربیت مدرس، که یکی از نقاط امید علم و فرهنگ آینده ی کشور است. به همه ی شما برادران و خواهران، عزیزان و نورچشمان، خوش آمد عرض می کنم؛ بخصوص به آن عزیزانی که از شهرهای دیگر و راههای دور تشریف آورده اند؛ و بالاخص به جانبازان عزیزمان، شهیدان زنده ی انقلابمان، که محفل امروز ما را منور کرده اند.

يك مطلب در باب فرزندان شهدای عالی قدرمان عرض کنم. اولاً مسؤولان امور خانواده های شهدا و بخصوص مربیان فرزندان شهدا، باید مفتخر و خوشحال باشند که افتخار خدمت به فرزندان شهید به آنها سپرده شده است؛ این کار را با خستگی و ملالت انجام ندهند؛ با شوق و اشتیاق و انگیزه ی درونی به این کار بپردازند. تربیت فرزندان شهدا و رساندن آنان به نقطه ی مطلوب در تربیت اسلامی و علمی، يك هدف بزرگ است؛ این هدف را با همت بلند و با ایمان وافر و با شوق می توان انجام داد؛ هیچ کس نباید با اجبار و به عنوان از سر باز کردن به این مطلب مهم بپردازد؛ که البته این طور هم نیست.

من در همین جا، بعد از تشکر از زحمات مدیران و معلمان محترم این مدارس و مسؤولان فرهنگی، به آنان عرض می کنم که هرچه می توانند، به این نوجوانان و نوباوگان و عزیزان توجه کنند. قبلها هم عرض کردیم که برای برنامه ریزی، متخصصان مسائل روانشناسی و کودک و متخصصان تعلیم و تربیت را مورد استفاده قرار بدهند؛ بخصوص تا آن جا که می شود، باید روی برنامه های اخلاقی این عزیزان تلاش بشود؛ چون دشمن مطمئناً برنامه های شومی برای این سرمایه ی بزرگ ملی ما خواهد داشت؛ باید مراقب بود.

به خود شما بچه های عزیز و نورچشمان هم عرض می کنم که پدران شما برای عظمت و عزت این کشور جهاد کردند و از مرگ استقبال نمودند و در راه خدا به شهادت رسیدند. البته پدران شما امروز سرافرازند و ان شاء الله در محضر خدا متنعم به نعمتهای الهیند و به آنها خوش می گذرد. شما جوانان و نوجوانان و پسران و دختران باید هدفتان ادامه ی راه پدرانتان باشد. آنها در این راه شهید شدند؛ شما ان شاء الله زنده بمانید و تلاش کنید و عمری را با عزت در این راه بگذرانید. اسلام به شما نیاز دارد. شما فرزند اسلامید؛ باید سرباز اسلام باشید و در راه اسلام جهاد کنید.

همه باید بدانند که توطئه ی دشمن نسبت به انقلاب تمام نشده است. بزرگ و کوچک ما، زن و مرد ما، عالم و جاهل ما، همه باید خود را سرباز مدافع از ارزشهای انقلاب به حساب بیاورند. هر کدام ما هر جا مشغول خدمت هستیم، باید آن جا را سنگر بدانیم. اگر اهل جهاد باشیم، هر جا هستیم، سنگر است.

يك نکته ی لازم را هم به عزیزانی که در دانشگاه تربیت مدرس مشغول درس خواندن، یا درس گفتن، یا در حال خدمتند، عرض می کنم. دانشگاه، نقطه ی اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده ی آن



جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است.

این فسادى که در دانشگاه فرض می‌کنیم، ممکن است فساد اخلاقى باشد، یا فساد علمى. فساد علمى معنایش این است که در دانشگاه، نه معلم برای درس دادن و یاد دادن دلسوزى کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزى کند. نتیجه، بی‌سواد بار آمدن، بد فهمیدن و نفهمیدن و عدم رشد استعدادهاست. فساد اخلاقى معنایش این است که آن که درس می‌خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقى، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکى است؛ شاید هم گاهى بدتر.

آن عالمى که شریف نباشد، حمیت و غیرت دفاع از کشور و ملت و آرمانها و ارزشهای ملی و دینی خود را نداشته باشد، آن عالمى که دشمن را بر خودی ترجیح بدهد و خود را در اختیار دشمن ملت قرار بدهد، از هر جاهلی بدتر است؛ همان دزدی است که با چراغ به دزدی می‌رود و بیشتر صدمه می‌زند. پس، اصلاح دانشگاه، در درجه‌ی اول اهمیت است.

دیدید که امام بزرگوار ما (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) چه قدر راجع به دانشگاه حرف زدند و نکته بیان کردند. در اوایل انقلاب، نسبت به دانشگاه، چه قدر تلاش انجام گرفت و برای اصلاح دانشگاهها، چه قدر از سوی انقلاب و انقلابیون مجاهدت شد. اگر ما امروز شعارهای شش سال قبل و هشت سال قبل را در باب دانشگاهها ندهیم، با این باور است که نیاز به آن شعارها نیست؛ یعنی دانشگاه اصلاح شده است. بعضی از تصمیمهایی که آن روزها در دانشگاهها گرفته می‌شد - درباره‌ی گزینش استاد، گزینش دانشجو، دقت در ورود افراد در جاهای مختلف دانشگاه؛ چه در رده‌های مسؤولیت علمى و غیر علمى، و چه در رده‌های تعلم و دانش‌آموزی - اگر آن دقتها امروز نشود، با اعتماد به این است که کار اصلاح شده و از این مرحله عبور کرده‌ایم. اگر معلوم بشود که از آن مراحل عبور نکرده‌ایم، همان دقتها لازم است و همان سختگیریها ضرورت زمان می‌باشد.

دانشگاه تربیت مدرّس، آن نقطه‌ی امیدى است که عشاق انقلاب و انقلابیون نشسته‌اند، تا بتواند يك مشت معلم و استاد دانشمند عالم عاقل مسلط بر کار تربیت کند و كمكى برای اصلاح دانشگاهها باشد. این کار باید با قوت و شدت ادامه پیدا کند.

استاد نقش مهمی در دانشگاهها دارد. استاد اگر دارای دین و مسلک دیگری غیر از مسلک دانشجو هم باشد، می‌تواند درس بدهد؛ اما مشروط بر این که نخواهد فضای انقلابی و اسلامى را در دانشگاه متغیر کند. آن استادی که اگر دانشجو در آغاز صحبت، حرف خود را با «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» شروع کند، به او تشر می‌زند؛ آن استادی که اگر دختر دانشجو با حجاب اسلامى و به صورت محجب در مراحل آموزش حضور پیدا کند، به او اهانت می‌کند؛ این استاد مجاز نیست که در دانشگاه حضور داشته باشد. علمى که آن استاد به این دانشگاه خواهد داد، علمى نیست که در خدمت کشور و در جهت ارزشهای مطلوب برای این ملت فداکار به کار بیاید.

اصلاح دانشگاه، يك امر اساسى است. نیروی انسانی در هر کشوری، اساس پیشرفت است. کدام نیروی انسانی پیشرفت را در يك کشور تضمین خواهد کرد؟ نیروی انسانی مؤمن، با وجدان، معتقد به کار و دلسوز؛ والا آن نیروی انسانى که اعتقاد به کار و دلسوزى ندارد و برای کشور و نظام و ارزشهای مردم و خود مردم هیچ‌گونه اعتنائى



قایل نیست، چه کمکی می‌تواند به پیشرفت کشور بکند؟ اینها نکات اساسی است که باید در سیاستگذاری بسیاری از بخشهای عمده‌ی دستگاه ما مورد توجه قرار بگیرد.

ما نیروی انسانی مؤمن و دلسوز می‌خواهیم. اگر دین هم ندارند، اگر به ارزشهای اسلامی هم اعتقاد ندارند، لااقل دلشان بخواهد که برای میهنشان مفید و مؤثر باشند؛ بخواهند این دانشجو با اخلاق صحیح تربیت بشود؛ او را به سوی فساد اخلاق سوق ندهند؛ مسأله این است.

دشمنان این انقلاب، از جمله تدابیری که در کنار دزدیدن مغزها و بردن استعدادها و تبلیغات سوء در سراسر عالم و بزرگ جلوه دادن عیبهای کوچک و پوشاندن محاسن بزرگ و درخشندگیها اندیشیده‌اند، یکی هم این است که در محیط علم و روشنفکری و آگاهی و معرفت، بذری ایمانی بپاشند و آن را ترویج بکنند. این، دشمنی با انقلاب و با اسلام است.

امروز استکبار جهانی از ایمان عمیق در هر مردمی، خائف و هراسان است. امروز دستگاه سلطه‌طلب و سلطه‌گر جهانی می‌داند آن چیزی که در مقابل او خواهد ایستاد، انسانهای باایمان و غیور و معتقد به یک سلسله اصول و ارزشها هستند و فقط در مقابل سلطه‌طلبی و زورگویی دستگاه استکبار می‌ایستند. دشمن از اینها می‌ترسد و با آنها مقابله می‌کند.

ملت ما باید بیدار باشد. انقلاب در این دوازده سال، پیشرفتهای بسیاری کرده؛ خیلی از مشکلات را پشت سر گذاشته و خیلی از میدانها را فتح کرده؛ اما هنوز مشکلات تمام نشده است. دشمن از دشمنی با اسلام و انقلاب منصرف نشده است. استکبار هنوز با اسلام آشتی نکرده است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که امریکا و دستگاههای سلطه‌طلب عالم، با انقلاب، با اسلام، با ایمان ملت ما و ملت‌های مسلمان آشتی کرده‌اند؛ آنها آشتی نمی‌کنند؛ چون می‌دانند که اسلام با آنها آشتی نمی‌کند؛ چون می‌دانند که انسانهای مؤمن در هر جا که هستند، با ظلم، با زورگویی و با فساد آشتی نمی‌کنند.

استکبار جهانی، معدن و مرکز همه‌ی این مفاسد است. همه، بخصوص دانشجویان، دانشگاهیان، اساتید و مسؤولان دانشگاهها، باید هوشیار باشند. جهت حرکت خود را ضدیت با سلطه‌گران و دشمنی با جهانخواران بگذارید؛ این است که ما را به ارزشهای اسلامی خواهد رساند.

امیدواریم که خدای متعال به همه‌ی شما برادران و خواهران، در هر مسؤولیتی که هستید، توفیق بدهد و به همه‌ی ما رشد و هدایت لازم را ارزانی کند، تا وظیفه‌ی خودمان را در هر مقطع حساسی بشناسیم و ان‌شاءالله با اراده‌ی قوی این راه را دنبال کنیم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته